



جغرافیا و روابط انسانی، بهار ۱۳۹۸، دوره ۱، شماره ۴

نقش سپاه در دفع و کنترل بروز تروریسم در مرزهای شرقی

مریم رضایی^۱، حسنعلی روا^۲، حسین دوستی مقدم^۳

۱- دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه بین المللی پیام نور قشم

۲- کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه آزاد اسلامی زاهدان

۳- کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه گردشگری گرایش برنامه ریزی منطقه ای دانشگاه سیستان و بلوچستان

h.doostizabole@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۱

چکیده

تروریسم یکی از تهدیدهای بزرگ دنیا در قرن بیست و یکم است که با استفاده از روش‌های متنوع همچون اقدامات مسلحانه، تبلیغات رسانه‌ای و نفوذ در عقاید و ارزش‌های جامعه می‌تواند باعث اختلال در نظم و امنیت جامعه مورد نظر شوند تا به اهداف خود دست یابند. در این میان مناطق و کشورهایی که دارای تمایزات نژادی، قومی، فرهنگی و مذهبی می‌باشند در معرض تهدیدهای بیشتری قرار دارند که در این میان اگر در جامعه‌ای ضعف‌های مختلف اقتصادی و تبعیضات سیاسی وجود داشته باشد این روند با سرعت بیشتری پیش می‌رود بخش اعظمی از تحقق یک امنیت پایدار در هر مکان و نقطه‌ای، محرومیت‌زدایی و رونق اقتصادی است، اما همین رونق اقتصادی و ایجاد امنیت پایدار اقتصادی، نیاز اولیه‌ای دارد و آن ایجاد چتر امنیتی مناسب در آن نقطه است. بر همین مبنا، جنوب شرق کشور و استان سیستان و بلوچستان که از گذشته دچار ناامنی‌های هدفمند با حمایت‌های بی‌دریغ بیگانگان بوده است، در سالیان گذشته مورد توجه نظام اسلامی قرار گرفته و نیروی زمینی سپاه با ایجاد یک قرارگاه نظامی - منطقه‌ای به نام قرارگاه قدس، مسئولیت ایجاد امنیت در مرزها و حفاظت از جان مردم در برابر اقدامات تروریست‌های مورد حمایت بیگانگان را عهده‌دار شده است. از زمان تاسیس قرارگاه منطقه‌ای قدس توسط نرسا در جنوب شرق کشور، اقدامات مهمی در جهت ایجاد امنیت در مناطق مرزی، صورت گرفته است. برای اینکه بدانیم در این مناطق چه اقداماتی انجام شده است، با یک تیم خبری مجهز و با حضور جمعی از مسئولان قرارگاه منطقه‌ای قدس سپاه، به مناطق مرزی رفتیم، همان جایی که طرح‌های امنیتی سپاه برای امن‌سازی مناطق مرزی از آنجا آغاز می‌شود.

واژگان کلیدی: جغرافیا، محرومیت، امنیت، توسعه‌نیافتگی، تروریسم

۱. مقدمه

به موجب ماده یک این قانون، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران از ادغام وزارتین دفاع و سپاه پاسداران، تشکیل می‌شود، ۱۹۲ به موجب مواد دیگر این قانون، کلیه اعتبارات، دیون، مطالبات، تعهدات، مؤسسات، سازمانها و شرکتهای تابع، وابسته و یا تحت پوشش و کلیه پرسنل و نیروهای شاغل در دو وزارتخانه سپاه و دفاع به وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح منتقل شدند (سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که اکنون وارد سی هفتمین سال حضور خود در عرصه های گوناگون کشور شده، به یک نیروی نظامی، امنیتی، سازندگی و اطلاعاتی کارآمد و خستگی ناپذیر برای نظام جمهوری اسلامی تبدیل شده است. وقتی که این نیروی انقلابی تشکیل شد، می‌بایست از انقلاب اسلامی و دستاوردهایش که همه کفر برای نابودی و سرنگونی آن بسیج شده بود، حفاظت و پاسداری کند. پاسداران انقلاب اسلامی در این راه چنان از خود ایثار، فداکاری و رشادت به خرج دادند که امام خمینی (ره) پس از گذشت دو سال از تشکیل آن، فرمودند: «اگر سپاه نبود، کشور هم نبود». ایران کشوری متنوع از نظر قومی و نژادی است. ویژگی‌های متمایزکننده‌ی اقوام در ایران از یکدیگر بیشتر بر مولفه‌های زبانی و مذهبی در اجتماع متمرکز می‌شود. سکونت ایشان در مناطق مرزی و همجوار با کشورهای هم‌زبان و هم‌فرهنگ خود، زمینه مناسبی را برای وقوع بحران‌های مختلف و متاثر نمودن جامعه فراهم می‌آورد. بلوچ‌ها جمعیت غالب منطقه شرق کشور می‌باشند که دنباله آن‌ها به خارج از کشور کشیده شده است و به جهت مولفه‌های اجتماعی نظیر قومیت، زبان، مذهب، و دوری از مرکز و غیره، کمتر در تحولات بزرگی که در حداقل سده اخیر کشور را متاثر ساخته است نقش عمده‌ای ایفا کرده‌اند و این عدم مشارکت میزان همگرایی ایشان را با کشور ایران متاثر ساخته است. (عزیزی، آذرمند، ۱۳۹۰: ۹۵)

پس از پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون در چارچوب هدف مهم سپاه پاسداران که نگرهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن است، وظایف و مأموریت‌های فراوانی به این نهاد انقلابی محول شده است. مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

الف. مأموریت نظامی: مقصود از مأموریت نظامی، مجموعه مأموریت‌هایی هستند که سپاه در قالب یک ارتش منظم انجام می‌دهد. این مأموریت از ابتدای انقلاب تا کنون بسیار متنوع و متعدّد بوده است که از جمله آنها سرکوب ضد انقلاب و وابستگان رژیم شاه، گروهک‌های ضد انقلاب، خنثی کردن کودتا، سرکوب گروهها و افراد تجزیه طلب قومی و منطقه ای، گروههای برانداز مسلحانه، مقابله با تجاوز رژیم بعث صدام و... است.

ب. ماموریت‌های انتظامی: به دلیل ناامنی اوایل انقلاب به وسیله افراد و گروه‌های ضد انقلاب و عدم توانایی نیروهای انتظامی یعنی شهربانی و ژاندارمری، مسئولان انقلاب اسلامی، این وظیفه و مأموریت را به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی واگذاشتند. از آن زمان تاکنون، این نیروی انقلابی و مردمی توانسته است تمام افراد، گروه‌ها و گروهک‌های ضدانقلاب را سرکوب کرده، نظم و امنیت را به کشور بازگرداند و هم‌اکنون همه مردم ایران در نقاط دور دست تا مرکز کشور از این جهت احساس امنیت و آرامش خاطر دارند.

ج. مأموریت‌های اطلاعاتی سپاه: پس از پیروزی انقلاب اسلامی و انحلال سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک)، ایران عملاً فاقد نیروی اطلاعاتی بود. از یک سو، افراد و نیروهای اطلاعات سابق قابل اتکا و اطمینان نبودند و از سوی دیگر، هنوز هیچ سازمان اطلاعاتی نیز تشکیل نشده بود. به همین دلیل، مأموریت اطلاعات به سپاه واگذار شد و تا زمان تشکیل وزارت اطلاعات و تجمع وظایف اطلاعاتی و امنیتی در این وزارتخانه، سپاه این وظیفه مهم را انجام می‌داد و سپس این مأموریت به وزارتخانه جدید واگذار شد. از آغاز تشکیل سپاه، یکی از وظایفی که این نهاد مقدس برای خود به رسمیت می‌شناسد، دفاع فرهنگی و تبلیغاتی از انقلاب اسلامی و ارزش‌های آن است؛ زیرا نگرهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن صرفاً محدود به مسائل نظامی، انتظامی و امنیتی نیست، بلکه دفاع همه‌جانبه از جمله دفاع در مقابل تهاجم فرهنگی است. علاوه بر این، در حال حاضر تهدیدات را به سه دسته تهدیدات سخت (نظامی)، تهدیدات نیمه سخت (امنیتی) و تهدیدات نرم (فرهنگی - تبلیغاتی) تقسیم می‌کنند. بدیهی است با توجه به این‌گونه تهدیدات (فرهنگی)، دفاع در مقابل آن نیز لازم و ضروری است و از این رو، یکی از وظایف ذاتی سپاه، دفاع فرهنگی و تبلیغاتی از انقلاب و دستاوردهای آن در داخل و خارج از کشور است؛ زیرا راه مهم مقابله با تهدیدات فرهنگی، دفاع با روش‌های فرهنگی و تبلیغاتی است (عظیمی، ۱۳۸۱).

اینک سپاه پاسداران چه در حوزه فرماندهی و چه در حوزه نمایندگی رهبری بر اساس ابلاغیه‌ها و تدابیر و رهنمودهای مقام معظم رهبری کارهای فرهنگی انجام می‌دهد. این امر نشان می‌دهد که وظیفه سپاه، صرفاً دفاعی نظامی، انتظامی و یا امنیتی نیست، بلکه دفاع در مقابل تهدیدات فرهنگی هم از جمله وظایف و مأموریت‌های این نهاد مقدس است.

ه سازماندهی و آموزش بسیج : به دلیل بروز مشکلات متعدد در سازمان بسیج ملی در اوایل انقلاب ، مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۵۹/۱۱/۱۹، قانون ادغام سازمان بسیج ملی (مستضعفین) را در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به تصویب رساند. به موجب این قانون ، از تاریخ تصویب آن ، سازمان بسیج ملی ، تحت عنوان ((واحد بسیج مستضعفین)) در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ادغام شد و مسئولیت اداره و فرماندهی آن به سپاه واگذار گردید. علاوه بر این کلیه اعتبارات و امکاناتی که از طرف سازمانهای دولتی و غیر دولتی و افراد که در اختیار آن بود، در اختیار سپاه پاسداران قرار گرفت . ۱۸۴

به موجب تصویب لایحه قانونی تشکیل سازمان بسیج ملی مورخه ۱۳۵۹/۴/۲۴، این سازمان دارای وظایف و اختیارات زیادی بود. ۱۸۵ علاوه براین ، به موجب قوانین مصوب ۱۳۶۶ هـ ش ، ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵، وظایف دیگری نیز به این سازمان افزوده شد. ۱۸۶ بدین ترتیب ، بسیج دارای وظایف و مأموریتهای زیادی است که این مأموریتها شامل مأموریت فرهنگی ، سیاسی ، اجتماعی و نظامی است . بسیج یکی از مأموریتهای سپاه است و سپاه پاسداران از آن در جهت حفظ و پاسداری از کشور و انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن استفاده می کند. هشت سال دفاع مقدس در مقابل جنگ تحمیلی صدام ، نشان دهنده ضرورت و لزوم وجود این دو نیرو در کنار یکدیگر برای دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن می باشد. ویژگی دیگر سپاه این است که ساختار این نهاد منعطف و فراگیر است. این سازمان به سرعت در مقابل انواع بحرانها تغییر شکل و تغییر ساختار می دهد و سریعاً برای انجام مأموریتهای متنوع آماده می گردد. شرایط جغرافیایی صحنه عملیات، وضعیت جوی، عوامل سیاسی و خشونت میدانهای جنگ بر اثر بخشی و کارایی عملیاتی این نیرو تاثیرات اندکی دارد، زیرا سپاه متکی به یک مکتب دفاعی است که فلسفه مقاومت و منطق جهاد را از آن دریافت می دارد. در این مکتب دفاعی که حدود و قیود جنگ و مبانی فلسفی آن منعکس می باشد، اصل تکلیف عنصر غالب شکل دهی حرکت سپاه محسوب می شود و شکست و پیروزی براساس میزان رعایت این اصل ارزیابی می گردد. این مکتب دفاعی منبعث از مکتب دفاعی عاشورایی است که برای رزمندگان آن وسعت میدان نبرد و استعداد نیوری دشمن تعیین کننده نیست، بلکه عمل به تکلیف الهی حدود نبرد را مشخص می نماید. از همین روی، ما در این نوشتار سیر مباحث مطروحه را نخست با مفهوم شناسی نظری «تروریسم» و «قومیت» و سپس با بررسی شرایط چهارگانه جغرافیایی-نژادی، فرهنگی-مذهبی، اقتصادی-صنعتی و سیاسی و تاثیر این عوامل بر بروز تروریسم در این استان محروم پی خواهیم گرفت. در فرجام با ذکر نتایج و ارائه راهکارهای سیاستی، نوشتار را به پایان خواهیم برد.

۲. تروریسم

امروزه، تروریسم یک واژه‌ی مبهم در عرصه‌ی بین‌المللی است که به علت پیچیدگی در مفهوم و مصادیق آن با نوعی بحران معنا در تعریف و تحدید قلمرو آن مواجه هستیم. تعاریفی که از تروریسم گفته شده است، برگرفته از بر ساخته‌های گفتگمانی و تبلیغاتی است. (سلیمانی، ۱۳۸۵: ۱۸۱)

درواقع، می‌توان گفت تروریسم مفهومی است سهل و ممتنع و در حقیقت موج گسترده مبارزه با تروریسم و کثرت استعمال این واژه در ادبیات سیاسی و حقوقی بین‌المللی، کمتر کسی را به تامل در مفهوم دقیق این واژه وامی‌دارد. (زمانی، ۱۳۸۴: ۴۳) حتی، در برخی موارد، ایجاد رعب و وحشت در عموم، الزاما شاخصی متقن برای تعریف تروریسم و ممنوعه شناختن یک عمل از منظر حقوقی نیست، کما اینکه در حقوق مخاصمات مسلحانه، چنین شاخصی به صورت عام مورد پذیرش قرار نگرفته است. (دپتر، ۲۹۳)

برخی نیز تروریسم را استفاده از خشونت برای اهداف سیاسی یا برای مجبور کردن دولتی برای عمل کردن به گونه‌ای خاص، به خاطر ترس از خشونت در میان مردم می‌دانند. (دهنوی، خالقی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۴)

درکل، می‌توان شاکله‌ی یک عمل تروریستی را از نگاه بومی چنین دانست:

۱. اعمالی که در نظام‌های حقوق ملی جرم محسوب می‌شود؛
۲. ماهیت فراملی دارد (عمل و آثار آن)؛
۳. عمل به منظور وادار کردن دول یا سیاست بین‌الملل به انجام عملی یا خودداری از انجام عمل از طریق:
 - ۳-۱. رواج خشونت در میان غیرنظامیان؛
 - ۳-۲. هدف قرار دادن نهادهای مهم عمومی یا خصوصی یا نمایندگانشان؛ و
۴. عمل تروریستی بنا به اهداف ایدئولوژیک و سیاسی صورت گرفته و شخصی نبوده است. (پیشگامی، ۱۳۸۹: ۳۸)

در واقع، رخداد عظیم ۹/۱۱ به عنوان نقطه‌ی عطف بنیادینی در موضوع تروریسم دانسته می‌شود که نظام بین‌الملل را به شدت تحت تاثیر قرار داده، (سیمبر، ۱۳۸۴: ۱۱۰) و برخی انگشت اتهام را به سوی مسلمانان نشانه می‌روند. (حاتمی، ۱۳۹۰: ۳۸)

ترور به معنی دهشت‌افکنی، کشتن ناگهانی و غافل‌کشی می‌باشد. در اصطلاح، هرگونه عملکرد یا تهدید برای ترساندن، آسیب رساندن به شهروندان، حکومت یا شخصیت‌های سیاسی گفته می‌شود. اندیشمندی به نام پل ویلکینسون تروریسم

را راه‌حلی برای رسیدن به هدف که از طریق خشونت افراطی انجام می‌شود می‌داند. (Wilkinson, 1992: ۵۳).

۱. عامل سیاسی

همواره علل و عوامل متعددی دست در دست هم دارند تا پدیده‌ای رخ بنماید. حال که در این نوشتار مجال صحبت از شناسایی عوامل بروز تروریسم دست داده است، جا دارد علاوه بر عواملی که به اختصار ذکر آنها رفت و تاثیر دفعی و وضعی آنها را در پیدایش تروریسم مشاهده کردیم، از عامل بسیار مهم دیگری که همانا عامل سیاسی است غافل نماییم. جمله معروفی هست که می‌گوید: «تروریسم اسلحه ضعف است»؛ ضعفی که از کثرت نفرت و قدرت نظامی متعارف بی بهره‌اند که در واقع روی آوردن به تروریسم نشانه‌ی ضعف سازمان تروریستی است. (رایش، پیشین) باید پرسید چرا پدیده تروریسم بروز میکند؟ پاسخ روشن است، مادامی که گروهی از افراد بنا به دلایل مذهبی، ایدئولوژیک، نژادی و یا هر علت دیگری نظیر این‌ها، به این احساس برسد که برای دستیابی به مطلوب مورد نظرش، انتخاب دیگری جز توسل به زور ندارد، طبیعتاً خواست خود را از طریق ترور و سایر اعمال خشونت‌آمیز پی‌گیری خواهد کرد. این روشن‌ترین دلیل و قاطع‌ترین برهان تروریست‌ها در توجیه عمل تروریستی است. آیا تروریست‌ها حافظ منافع تنها چند نفرند یا نمایندگی بخش بزرگی از جمعیت را به عهده دارند؟ پاسخ به این پرسش تا اندازه‌ای دشوار است. این پاسخ می‌تواند یکی از موتورهای محرکه گروه‌های تروریستی باشد. به این صورت که تروریست‌ها معتقدند نمایندگی بخش بزرگی از جمعیت را بر عهده دارند و تنها دلیلی که نمی‌توانند تعداد هواداران خود را به خوبی محاسبه و اعلام کنند، جو خفقان در کشور میزبان است. آنها معتقدند که چنانچه افراد برای اعلام وفاداری خود آزاد بودند قطعاً هواداران تروریست‌ها مشخص و تعداد آنها قابل توجه بود. کمی عمیق‌تر شویم. همانگونه که انقلابیون بر این باور و امید هستند که اقدامات سرکوب‌گرانه‌ی دولت، حمایت‌های مردمی از آرمان‌هایشان را افزایش خواهد داد، اقدامات نسنجیده‌ی تروریستی نیز می‌تواند باعث تشدید و گسترش انزجار عمومی از تروریست‌ها و احتمالاً از اهداف آنها گردد. شاید بتوان گفت در جوامع دموکراتیک که بیشتر گروه‌های سیاسی فرصت‌های بسیاری برای ابراز مخالفت و اعتراض در اختیار دارند، تقریباً تبلیغ هرگونه عملیات تروریستی با واکنش متقابل افراد جامعه مواجه خواهد شد. لذا به نظر می‌رسد تلاش برای تخفیف ناعدالتی‌های نژادی همانگونه که در سایر کشورها به کاهش خشونت منجر گردیده است، در اینجا نیز مثمر ثمر باشد. (James W, Button, ۱۹۷۸). طبیعی است که در این حالت منطقاً حمایت عمومی از تروریسم تا زمانی ادامه دارد که گروه‌های مختلف اجتماع، تروریست‌ها را حافظ منافع خود بدانند. از همین‌روی واحدهای سیاسی باید بکوشند خود در مسیر زدودن بی‌عدالتی‌ها و عقب ماندگی‌ها تا جایی پیش روند که هیچ گروهی نتواند از خلاءهای موجود سود جسته و با استفاده از ضعف‌ها و

ناکارآمدی‌ها امنیت ملی کشور را مخدوش نماید. هر چند باید گفت آن دسته از سیاست‌های قومی نیز که بتواند زمینه‌های بروز نارضایتی و طرح خواسته‌های جداگانه قومی را کاهش دهد و نخبگان قومی را در قدرت سهیم کند، قطعاً در جلوگیری از بروز تنش‌های قومی مؤثر خواهد بود و در مقابل، سیاست‌هایی که با اتکاء به ثبات سیاسی موجود، بهای لازم را به زمینه‌های بالقوه رشد ناسیونالیسم قومی نمی‌دهند و احیاناً به روش‌های سرکوبگرانه صحنه می‌گذارند، احساسات قومی را چون آتشی در زیر خاکستر می‌پروراند.

به نظر می‌رسد باید پذیرفت که در نقشه جهان امروز، نمونه‌های انگشت شماری از دلت-ملت‌های خالص و یکدست وجود دارند. کشورهای چند ملیتی روی نقشه جهان بسیار متداول‌ترند؛ این کشورها ترکیبی از ملیت‌ها مختلفی هستند که در یک واحد سیاسی قرار داشته و انسجام یا عدم انسجام آن‌ها در آینده مشخص نیست. حضور ملیت‌های گوناگون در یک کشور، نیروی گریز از مرکزی به حساب می‌آید که در صورت عدم توجه کافی به حقوق اقلیت‌ها، اتحاد ملی را از هم می‌گسلد.

کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد اقلیت را این گونه تعریف می‌کند: «گروهی که در یک کشور تعداد آن‌ها از بقیه کمتر بوده و با وجه تمایز نسبت به دیگران در یک موقعیت غیر غالب قرار دارند و برای حفظ فرهنگ خود دارای نوعی حس انسجام و همبستگی هستند». براساس ماده ۱۵ بیانیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل، هر انسانی دارای حق تعلق به یک ملیت است؛ ماده ۷ تبعیض را منع می‌کند و ماده ۲۱ اعلام می‌دارد که هر شخص حق دارد در دولت کشور خود مشارکت کند.

این در حالی است که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز مطابق با اصل نوزدهم از فصل سوم دایر بر حقوق ملت، علاوه بر به رسمیت شناختن تفاوت در رنگ، نژاد و زبان ایرانی‌ها، اشعار می‌دارد که امثال این تفاوت‌ها سبب امتیاز نخواهد بود. حال سوال اینجاست، آیا مذهب می‌تواند از جمله مواردی باشد که سبب‌ساز امتیاز است؟ مطابق قانون اساسی ایران، بله. همین‌طور است. براساس اصل دوازدهم از قانون اساسی کشور، دین رسمی ایران اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی الابد غیر قابل تغییر است ... تفاوتی که این اصل ایجاد میکند به عنوان مثال در اصل یکصد و پانزدهم قانون اساسی کشور خود را نشام می‌دهد؛ جایی که اشعار می‌دارد که رئیس جمهور باید مومن و معتقد به مذهب رسمی کشور باشد. (قانون اساسی ج.ا. ایران، ۱۲، ۱۹، ۱۱۵) به عنوان مثال یک بلوچ سنی هیچ‌گاه نمی‌تواند رئیس جمهور کشور خود شود.

حفظ آثار و رسوم، سنت‌ها و زبان اختصاصی هر قوم، حق طبیعی آن محسوب می‌شود و در جهانی که اصل تنوع در همه شئون آن پذیرفته است، همه اقوام حق حیات و ادامه راه و روش‌های فرهنگی خود را دارند. کشورهایی که چندگروه قومی را در خود جاداده‌اند با اتخاذ سیاست‌های قومی مناسب و به خصوص با احترام نهادن به اصل تنوع فرهنگ‌های قومی در درون مرزهای مشترک و استفاده از گفت و شنود به جای زور و اجبار می‌توانند یکپارچگی و تمامیت ارضی خود را حفظ کنند.

در زمانی که ما شاهد تشکیل انواع اتحادیه‌ها و بازارهای مشترک در جهان هستیم باید توجه داشت که بسیاری از این اتحادیه‌ها در بطن خود، انواع تفرقه‌ها و تضادها را می‌پرورانند. روزگاری در اتحادیه شوروی سابق، ۱۰۴ گروه قومی در قالب یک کشور متحد تحت عنوان اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی همزیستی داشتند، ولی امروز ۱۵ کشور مستقل بر فراز جسد اتحادیه شوروی سابق پرچم ملی خود را برافراشته‌اند و شاید تا چند دهه دیگر آنچه شوروی سابق بود به ۶۰ یا ۷۰ کشور مستقل تجزیه شود.

اروپایی که اکنون وحدت خود را بطور نمادین در واحد پولی مشترک به نمایش می‌گذارد، متشکل از ۷۵ منطقه فرهنگی - قومی جداگانه است و به طور بالقوه، می‌تواند به ۷۵ کشور مستقل تقسیم شود.

رشد احساسات قومی بر پایه تفاوت‌های زبانی، در صورت عدم ایجاد ساختارها و نهادهای مناسب برای اداره کشورها بر پایه نوعی پلورالیسم قومی، خود می‌تواند عاملی در جهت تجزیه بسیاری از کشورهای موجود جهان باشد. در جهان کنونی ۵ هزار (و به قولی ۱۰ هزار) زبان جداگانه وجود دارد و اگر هر یک از گروه‌های قومی جهان که به زبان خاص خود سخن می‌گویند، قصد آن کند که تشکیل یک دولت ملی جداگانه بدهد، جهانی که در آینده شاهد آن خواهیم بود، طبعاً جهانی بسیار متفرق می‌باشد.

تحولات دو دهه اخیر در جهت تشدید اختلاف‌های قومی در درون کشورها، پیش‌بینی بسیاری از نظریه پردازان نوسازی و نیز رهروان مکتب جهانی شدن را که معتقدند جهان به ناچار به سوی نوعی ادغام فرهنگی و قومی پیش می‌رود، باطل اعلام کرده است. در واقع تنها ۱۰٪ کشورهای جهان را می‌توان به لحاظ قومی همگن یا یکدست محسوب کرد. در بقیه کشورها، به طور عموم چندین گروه ملی، قومی یا زبانی در کنار هم زندگی می‌کنند.

در واقع شکاف قومی که بر ناهمگونی مذهبی، نژادی و زبانی با حکومت مرکزی مبتنی است همواره قابلیت بروز حرکت‌های تروریستی، خرابکارانه و حتی جنبش‌های دسته جمعی را باقی می‌گذارد. اساساً هر نوع تضاد و صف‌آرایی موجود در جامعه را نمی‌توان شکاف نامید؛ از آنجا که در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان دو نوع تقابل را در جامعه از یکدیگر متمایز نمود که عبارتند از:

- تقابل‌های «مقطعی» و گذرا (که اساساً این نوع تقابل موقتی و ناپایدار است).

- تقابل‌های «ساختاری» (که اساساً این نوع تقابل ریشه در بطن جامعه دارد).

لذا موضوع شکاف‌های اجتماعی مرتبط با تقابل و تضادهایی است که از نوع ساختاری بوده و در متن اجتماع ریشه دارند. اگر بخواهیم شکاف را از دید اجتماعی تعریف کنیم می‌توان گفت: شکاف عبارت است از تقابلی که گذرا نیست و برخاسته از متن جامعه می‌باشد. تضادهایی که موجب شکاف‌های اجتماعی می‌باشند به تعبیر محقق معروف نروژی «استین روکان» تمایل به انجماد دارند و معمولاً برای سالیان متمادی در یک جامعه ماندگارند. (ایوبی، ۱۳۷۰: ۳۰)

به مانند استین روکان نروژی، از نظر حسین بشریه در ایران نیز شکاف‌های اجتماعی، تعیین کننده نوع خواسته‌های نیروها، گروه‌ها و جریان‌های سیاسی مختلف و موجود، اعم از حاکم و غیر حاکم است.

مقابله دولت پهلوی با نیروهای اجتماعی سنتی از جمله بازار سنتی، روحانیت و عشایر از یک سو و از سوی دیگر حمایت از فرآیندهایی که به پیدایش نیروهای اجتماعی مدرن انجامید، جامعه ایران را دو پاره کرد و طبقات و نیروهای سنتی و مدرن را در مقابل هم قرار داد.

توجه به قومیت‌ها و مذاهب، برای تامین امنیت

یکی از ویژگی‌های تاریخی و فرهنگی ایران زمین وجود اقوام و طوایف و مذاهب مختلفی بود که در طول سالهای مختلف به صورت کاملاً مسالمت آمیز در کنار یکدیگر زندگی می‌کردند. اما در این حال نزدیکی محل استقرار این اقوام و مذاهب در مناطق مرزی و تلاش برخی از کشورهای عربی و ترکی برای تاثیرگذاری روی این اقوام و ایجاد بحران‌های قومیتی در ایران، ناآگاهی مدنی و تقویت جنبه‌های نژادی باعث شده که برخی از افراد با ساماندهی برخی گروه‌های تجزیه طلب زمینه بروز برخی از ناآرامی‌ها را در تعدادی از استان‌های مرزی بوجود آوردند.

در کنار این مساله وجود برخی از جریان‌های با دیدگاه‌های مذهبی مثل وهابیت یا سلفی‌گری یا ایدئولوژیکی افراطی مثل گروه پژاک در آن سوی مرزهای ایران که از حمایت‌های خارجی نیز برخوردارند، زمینه را برای برخی اقدامات خرابکارانه را در اوایل کار فراهم آورد. برای مواجهه به چنین تهدیدی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برخلاف نگاه دوران پهلوی که همواره اقوام و طوایف مختلف را به مثابه تهدید برای تمامیت ارضی ایران می‌دید، از آن به عنوان یک فرصت در مواجهه با تهدیدات استفاده کرد. بی شک ابتکار عمل سپاه و همیاری گروه‌های قومی و مذهبی نقش مهمی در ناکامی جریان‌های قومی و مذهبی افراطی در مناطق بلوچستان داشت

نقش کلیدی سپاه در تامین امنیت مرزهای جنوب شرق کشور

بسیج به عنوان یکی از الگوهای حضور مردم در صحنه‌های انقلاب و نمودی از مشارکت آنان در بزنگاه‌های حساس اجتماعی و سیاسی تا امروز بی‌بدیل‌ترین این نمونه‌ها بوده است. نمونه‌ای که به اقتضای مردمی بودن، ماموریت‌ها و رسالت‌های خود را در هر برهه از تاریخ انقلاب اسلامی از بستر نیازهای جامعه دریافت کرده و متناسب با آن ظرفیت خود را به کار گرفته است. طی سه دهه گذشته سپاه و بسیج دستاوردهای بیشماری در کشور داشته است به گونه‌ای که می‌توان به صراحت اعلام کرد که قدرت و صلابت امروز کشور و مدار خدمات سپاه پاسداران تحت فرمان مقام عظمای ولایت است، سپاه با ورود در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی، امنیتی و محرومیت زدایی نقش بسزایی در عقب راندن دشمنان قسم خورده انقلاب و تامین امنیت کشور دارد و حضور فعال سپاه در عرصه اشتغالزایی و اقتصاد مقاومتی، چرخه اقتصادی کشور را پویا و زنده ساخته است، نیروی زمینی سپاه برای اینکه بتواند امنیت مناطق مرزی را تامین کند، این کار را به مردم همان مناطق واگذار کرده، این کار تحت عنوان "طرح امنیتی شهید شوشتری" انجام شده است، پروهای انقلابی سپاه با خود باوری و حرکت خودجوش دژ مستحکم مقابل فقر و محرومیت ساخته اند که رضایتمندی در وجود مردم مستضعف موج می‌زند. اقدامات ارزشمند شکل گرفته نیروی زمینی سپاه پاسداران در زمینه محرومیت زدایی و اقتصاد مقاومتی اشاره کرد و ادامه داد: پروژه‌های برق رسانی در جنوب شرق کشور، راه سازی، مدرسه سازی، پروژه‌های اقتصاد مقاومتی و جهاد سازندگی از جمله فعالیت‌های محرومیت زدایی در شهرستان سراوان و نقاط مرزی این منطقه بوده است. سرطایفه طوایف شهرستان سراوان خاطر نشان کرد: نیروهای سپاه پاسداران در پاسبانی و حفاظت از مرز مقابل توطئه‌های دشمن با هوشیاری و زیرکی قد علم کردند و دسیسه‌های شوم و خائنانه دشمنان ایران و اسلام به خنثی کرده اند. مردم هم اینک از طریق پروژه‌های محرومیت زدایی قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه پاسداران در راستای رفع فقر در حال امرار معاش هستند که چهره مردمی این قشر انقلابی میان مردم جنوب شرق مانند ماه تابان می‌درخشد. توسعه امنیت پایدار بسیج اقدامات موثری و تلاش‌های فراوانی انجام داده است و ثمره حفاظت مزدداران سپاه را در ۴۰۰ کیلومتر مرز خاکی میان ایران و پاکستان شاهد هستیم، تصریح کرد: نیروهای بسیجی ثمره درخت انقلاب هستند که با رشادت و جان فشانی در دفاع از مرز و تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران مردانه ایستادگی می‌کنند

چالش‌های امنیتی در حوزه جنوب شرقی ایران

استان سیستان و بلوچستان از مناطق محروم کشور محسوب می‌شود که در کنار توسعه نیافتگی در عرصه‌های اقتصادی و کشاورزی با معضلاتی مثل فروش و توزیع مواد مخدر و تحرکات گروه‌های تروریستی وهابی نیز مواجهه بود. وجود

چنین مشکلاتی زمینه فعالیت برخی جریان وابسته تکفیری مثل حزب الفرقان و گروهک ریگی را فراهم آورد. این گروه های ستیزه جو تا چند سال پیش با اقدامات تروریستی در معابر و اماکن عمومی باعث به شهادت رسیدن ده ها تن از هموطنان ما شدند. اما حضور فعال سپاه در این منطقه و شناسایی معضلات و مشکلات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی این استان باعث شد گام های موثری در رفع نارضایتی های اجتماعی برداشته شود

نتیجه گیری

مسائل اجتماعی از قبیل قومیت و مذهب و ضعف اقتصادی در ایران همانطور که مورد توجه سیاستمداران داخلی می باشد، به عنوان دستاویزی برای دشمنان خارجی و داخلی نیز محسوب می شود چراکه ضعف و تهدید در هر نقطه از کشور منجر به تهدید کل کشور می گردد. از همین جهت از دیرباز به ویژه در دهه های اخیر عوامل خارجی به منظور بهره جویی از علایق قومی و اجتماعی مشترک سعی در پیشبرد فعالیت های غیر قانونی و تروریستی در ایران نموده اند که در این میان مرزهای شرقی کشور به خصوص استان سیستان و بلوچستان بیش از همه در معرض اینگونه تهدیدها قرار دارد.

استان سیستان و بلوچستان که در شرق ایران و در همسایگی کشورهای پاکستان و افغانستان قرار دارد از نظر اقتصادی بسیار ضعیف و همین باعث عدم رشد جامع و پررنگ تر شدن عوامل تفرقه انداز در درون چنین جوامعی می شود لذا باتوجه به نتایج به دست آمده مبنی بر فراهم بودن زمینه اشتراکات قومی، زبانی و مذهبی با کشورهای همسایه می بایست استراتژی های گسترده ای را با هدف توسعه منطقه در نظر گرفته شود تا منجر به رشد و توسعه اجتماعی این مناطق مرزنشین گردد و کیفیت زندگی ارتقا یابد. نکته ای که بسیار قابل توجه است آن است که عوامل جامعه شناسختی که منجر به ضعف در این مناطق گردیده است عمدتاً دارای ابعاد اقتصادی هستند و به حوزه جامعه نیز تسری یافته اند. چرا که مهمترین عامل محرومیت این مناطق ضعف یا فقدان توسعه اقتصادی است که باعث سرخوردگی ها و ناامنی های رایج که ناشی از آن است در جامعه می شود.

این از آن روست که همگان نیک می دانند که یکی از انگیزه های قوی گروه های اقلیت برای تشکیل حوزه های مستقل سیاسی مخصوص به خود در کشورهای چندملیتی را می توان ناشی از توسعه ی ناهمگون یا همان «اقتصاد دوپاره» دانست. این که برخی از مناطق از نظر سرمایه گذاری و رشد اقتصادی مطلوب تر از سایر مناطق هستند. به عنوان مثال میتوان تجزیه کشور چکسلواکی را شاهد آورد؛ زیرا تجزیه این کشور بیشتر به سبب این برداشت بود که نرخ توسعه در مناطق مختلف در این کشور متحد یکسان نمی باشد و یا مناطقی که از نظر توسعه سرعت بیشتری داشتند، به دیگر مناطق کمک مالی

می‌کردند (مانند جمهوری چک در برابر اسلواکی). لذا با توجه به اشتراکات این قوم با مناطق مرزی که بنیانگاه گروه‌های تروریستی هستند، باید بسترهای آشوب‌زا و امنیت‌زدا در آن مناطق مورد شناسایی قرار گرفته و در جهت رفع آن و تامین و شکوفایی اقتصادی و نیز رساندن مردم آن دیار به سطح مطلوب توسعه سیاسی و فرهنگی، وفاداری به ایرانی بودن را نسبت به وفاداری به بلوچ بودن تقویت نمود.

راهکارهای پیشنهادی

- احترام به تفاوت‌های انکارناپذیر نژادی، فرهنگی و مذهبی
- فراهم نمودن بستر لازم برای نگاهداشت و پاسداری از میراث فرهنگی و تمدنی نژادها، اقوام و اقلیت‌های ایرانی از قبیل امکان تحصیل به زبان مادری مصرح در اصل ۱۵ قانون اساسی
- فراهم نمودن امکان تحصیل به زبان مادری برای ملیت‌های ایرانی اعم از ترک، کرد، بلوچ و غیره (نظیر سوئیس با دارا بودن چهار زبان رسمی)
- فراهم نمودن بسترهای فرهنگی مناسب برای اقوام و ملیت‌های ایرانی در جهت حفظ و پاسداشت فرهنگ‌های تمدنی خویش
- ایجاد تسهیلات و مشوق‌های لازم برای جذب و تجهیز سرمایه‌های داخلی، خارجی و بومی، به ویژه در زمینه توسعه فعالیت‌های کشاورزی و صنعتی؛
- ایجاد ظرفیت‌های زیربنایی، نهادی و سازمانی برای استفاده حداکثری از قابلیت‌های ترانزیتی استان؛
- توسعه ظرفیت‌های صنعت گردشگری و بهره‌برداری از جاذبه‌های تاریخی استان؛
- اصلاح ساختارها و تقویت بخش رسمی اقتصاد استان؛
- طرح توسعه محور شرق به عنوان ابزار مهم اعمال سیاست‌های توسعه‌ی منطقه‌ای؛
- ایجاد بسترهای مناسب رشد کمی و کیفی آموزش
- توجه بیشتر به مناطق محروم استان به ویژه روستاها و انجام فعالیت‌های صنعتی و اشتغال‌زایی نظیر ایجاد بنگاه‌های کوچک زود بازده خصوصا در مناطق روستایی و بی‌بهره از لحاظ صنعتی؛
- تقویت صنعت کشاورزی در منطقه مورد مطالعه به عنوان پیش‌درآمد توسعه و عامل مهمی در جهت کاهش مهاجرت از روستاها به شهرها و حتی به استان‌های دیگر.

منابع فارسی

- آئین نامه انضباطی نیروهای مسلح ، ماده های ۱۲، ۱۳ و ۱۴، ص ۵۰۹
- ایوبی، حجت اله . شکافهای قومی و خشونت در پیکارهای سیاسی، فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش شماره اول، بهار ۱۳۷۷
- دهنوی، مهدی و خالقی نژاد، مریم «مقایسه تطبیقی نگاه اسلام و حقوق بین الملل به حق تعیین سرنوشت و تروریسم»، ارائه شده به دومین کنگره بین المللی ۱۷۰۰۰ شهید ترور، تهران: ۱۳۹۴
- زمانی، سیدقاسم، جایگاه موازین بین المللی حقوق بشر در مبارزه با تروریسم، پژوهش های حقوقی، شماره ۸، سال چهارم، ۱۳۸۴،
- سلیمانی، رضا، آشفته گی معنای تروریسم، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۳۶، سال ۱۳۸۵، ص ۱۸۱.
- سیمبر، رضا، بررسی نگرش های متفاوت درباره حملات تروریستی علیه غرب، فصلنامه ژئوپلیتیک ایران، شماره دو، زمستان ۱۳۸۴
- عباسعلی عظیمی شوشتری ، جایگاه سپاه در ساختار سیاسی نظام ، پژوهشکده تحقیقات اسلامی ، قم ، ۱۳۸۱، ص ۶
- عزیزی، پروانه، آذرکمند، رزا(۱۳۹۰)، بررسی عوامل واگرایی قوم بلوچ و تاثیر آن بر امنیت کشور، دانشنامه علوم سیاسی
- فلک، دیتر (۱۳۸۷)، حقوق بشردوستانه در مناصمات مسلحانه، ترجمه: ساعد، نادر و زمانی، سیدقاسم، تهران: شهر دانش
- Wilkinson RG.BMJ. 1992 Jan 18;304(6820):165-8. No abstract available